

نگارخانه

فصلنامه علمی

وابسته به بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

راهکارهای برای پیشگیری از بزهکاری و اصلاح مجرمین / سید محمد حسینی دره صوفی

ارزش اثباتی ادله الکترونیکی در حقوق ایران و افغانستان از منظر فقه اهل بیت / محمد زمان عارقی

بررسی فقهی شرطیت ختان در طواف / سید رضی قادری

جرم سرقت و مجازات آن از منظر فقه اسلامی، قوانین ایران و افغانستان / قربانعلی مبلخ

نظریه حرمت جهاد پیش از قیام حضرت مهدی، با نگاه نقادانه به نظرات عبدالله الموصلی / محمدجعفر میلان نورانی و همکاران

جستار در باب جهاد / قربانعلی حکیمی

عوامل برکت ساز و برکت سوز در قرآن کریم / سید محسن حسینی

عنوان: فصلنامه علمی نسیم کوثر

مدیر مسئول و سردبیر: سید محمد حسینی دره صوفی

ویراستار: سید محمد نقوی

گرافیسٹ: سید محمود محسنی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰،۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۳۹۶۹۷۷۶

سایت فصلنامه: nasimekosar.blog.ir

ایمیل: nasimkosar1399@gmail.com

دفتر مرکزی و محل چاپ: قم، شهر قائم، ۱۲ متری شهید رجایی، پلاک ۵۲

راهنمایی نویسندگان و شیوه نامه نگارش فصلنامه علمی نسیم کوثر

۱. مقاله قبلا در نشریه دیگری به چاپ نرسیده یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد.
۲. مقاله دارای عنوان، چکیده به زبان فارسی، واژگان کلیدی، مقدمه، متن اصلی، نتیجه گیری، منابع و ماخذ باشد.
۳. مقاله در برنامه word و باقلم IR lotus و اندازه ۱۴ نازک بوده. و عنوان مقاله با قلم B Titr و اندازه ۱۴ تایپ شود.
۴. حجم هر مقاله حداقل ۱۲ و حداکثر ۲۲ صفحه باشد.
۵. کلمات کلیدی بین ۴-۷ کلمه و بصورت فارسی باشد.
۶. چکیده فارسی، از ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه باشد.
۷. معادل انگلیسی اصلاحات و مفاهیم علمی رایج پانویس شود.
۸. ارجاع به منابع درون متنی باشد. داخل پرانتز، نام خانوادگی، سال انتشار و شماره صفحات ذکر شود. مثال (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶، ۱۰۰).
۹. فهرست منابع و ماخذ، به ترتیب الفبای نام خانوادگی نویسندگان، باشد (الف). کتابها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان کتاب، (بصورت توپر)، نام خانوادگی مترجم یا مصحح، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، محل انتشار و ناشر. مثال: هارت، هرت، ۱۳۹۰، مفهوم قانون، راسخ، محمد، تهران، نشر نی.
- ب. مقالات: نام خانوادگی، نام، سال انتشار، عنوان مقاله، (بصورت توپر)، نام مجله، شماره مجله و شماره صفحات اول و آخر مقاله. مثال: رضایی، محسن، ۱۳۸۵، روش تجربی، فرهنگ مدیریتی سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۷۲، ۱۸۹.
۱۰. در زیر عنوان مقاله اسم نویسنده یا نویسندگان و در قسمت پاورقی ایمیل و سمت پژوهشگر و همچنین مشخص نمودن نویسنده مسئول. (به عنوان مثال حسینی، سید محمد، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم).
۱۱. مقالات بیانگر آرا و نظرات نویسندگان است و فصلنامه نسیم کوثر مسئولیتی ندارد.

اعضای هیأت تحریریه:

۱. سید محمد حسینی دره صوفی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، نخبه و پژوهشگر برتر در دانشگاه بین المللی المصطفی. قم
۲. دکتر سید رضی قادری، دکتری فلسفه اخلاق از دانشگاه باقر العلوم، سطح چهار فقه و اصول حوزه، استاد سطوح عالی حوزه. قم
۳. محمدعلی علیدادی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه. قم
۴. حفیظ الله محمدی، سطح چهار، دانشگاه خاتم النبیین. کابل
۵. قربانعلی مبلغ. کارشناسی ارشد فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه. قم.

فهرست مطالب

۷	راهکارهای برای پیشگیری از بزهکاری و اصلاح مجرمین
۲۳	ارزش اثباتی ادله الکترونیکی در حقوق ایران و افغانستان از منظر فقه اهل بیت (ع) و فقه حنفیه
۴۵	بررسی فقهی شرطیت ختان در طواف
۶۱	بررسی جرم سرقت و مجازات آن از منظر فقه اسلامی، قوانین ایران و افغانستان
۱۰۱	بررسی نظریه حرمت جهاد پیش از قیام حضرت مهدی، با نگاه نقادانه به نظرات عبدالله الموصلی
۱۲۷	جستار در باب جهاد
۱۴۷	عوامل برکت ساز و برکت سوز در قرآن کریم

جستار در باب جهاد

قربانعلی حکیمی^۱

چکیده

جهاد، یکی از مفاهیم ارزشی است که در اسلام مورد تأکید قرار گرفته و به‌عنوان واجب در فروع دین مطرح گردیده است. در آیات قرآنی و لسان روایی جهاد، ضرورت، اهمیت و مصادیق آن، مطرح گردیده و در سیره‌ی عملی پیشوایان دینی متناسب با شرایط زمانی، اجرایی شده است. هم‌چنین در دوره‌های پساامامت و حضور پیشوایان مذهبی-دینی از سوی عالمان و اندیشمندان دینی، مورد واکاوی و تبیین قرار گرفته است ولی متناظر با برخی روایات در عرصه‌های خاصی طرح شده است؛ و می‌طلبد که چیستی و چگونگی جهاد به‌صورت عام بررسی گردیده تا قابل سرایت در تمام حوزه‌ها، عرصه‌ها، موضوعات، مسایل و سطوح فردی و اجتماعی باشد. روی این ملحوظ و ضرورت پرسش اصلی چیستی و چگونگی جهاد است که ضمن تعریف مفهومی وسیع و کاربردی با روش تحلیلی-توصیفی پاسخ به پرسش مذکور داده و به یافته‌های چون؛ توسعه‌ای مفهومی، شاخصه‌ها و تقسیم به فردی و اجتماعی، و تبیین اقسام جهاد فردی و جهاد اجتماعی دست یافته است که در ضمن جستار طرح و تدوین شده است.

کلید واژه: جستار، جهاد و مجاهدت.

۱. فارغ التحصیل سطوح عالی‌ه حوزه و دانشجویی دکتری فقه سیاسی گرایش روابط بین‌الملل-

۱. مقدمه

جهاد یکی از فرائض مهم اسلامی است و نقش مهمی در گسترش اسلام و تبیین معارف آن داشته است. جهاد در صدر اسلام مهمترین فعالیت هدفمند مسلمانان برشمرده می شده است و عمده فعالیت سران اسلام معطوف به آن بوده است و این برنامه و واجب الهی در صدر تمام برنامه های دیگر قرار داشته است. در عصر غیبت و فقدان ولی معصوم جهاد به شکل اولیه خود دنبال نشد و امروزه در کشورهای اسلامی کمتر شاهد این واجب هستیم. هرچند شکل‌های از آن را می توان امروزه در قضیه فلسطین علیه اسرائیل غاصب مشاهده نمود.

۲. مفهوم شناسی

مفهوم جهاد از نظر واژه کاوی و اصطلاح‌شناسی دارای معانی و تعاریف متعدد و مختلف است. این تعدد معنایی و کثرت تعریفی سر آغاز برداشت‌ها، قرائت‌ها و روایت‌های گوناگون گردیده و نظریه‌های مختلف و برخاسته از جهاد پدید آورده است؛ که خوانندگان را ارجاع به تحقیقات موردی داده و در این گفتار از ذکر تفصیلی و تشریحی، بیان محتوایی و توضیح مصداقی، بررسی مقایسه‌ای و نگاه انتقادی آن تعاریف و نظریه‌ها صرف نظر می‌گردد، به بیان و تحلیل مفهوم منتخب و منظور بسنده می‌شود.

با در نظر داشت معانی و تعاریف جهاد؛ می‌توان گفت: جهاد، عبارت است از تلاشی توأم با سختی در جهت مبارزه با دشمن به هدف الهی. یعنی تلاشی که همراه با سختی، مشقّت و مرارت در جهت مقابله، مبارزه و مقاومت در برابر دشمن به هدف اطاعت الهی، فرمانبری حضرت حق و کسب رضایت خداوند (ج) باشد. در آیات قرآنی و از جمله «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ؛ در راه خدا چنان‌که شایسته جهاد است، جهاد کنید»، (حج: ۷۸) به مفهوم عام جهاد اشاره شده و افاده‌کننده‌ی معنی مقصود است؛ و هر تلاش خدامحورانه را شامل می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۴: ۴۱۲) که یکی، از مادّه، دیگری، از هیئت و سومی، از حَقَّ جِهَادِهِ، مورد تأکید قرار

گرفته است (قرشی، ۱۳۷۱، ۲: ۷۸) و گویایی تلاش توأم با سختی در جهت مبارزه با دشمن در راه خداوند (ج) است.

این تعریف و برداشت، نسبت به تعاریف دیگر از معقولیت، مقبولیت و جامعیت بر خور دار است. زیرا (۱) مستنبط و مستخرج از معانی لغوی و تعاریف اصطلاحی جهاد بارویکرد دینی است. (۲) جامعیت دارد و هرگونه تلاشی همراه با سختی در جهت مبارزه با دشمن با داشتن هدف الهی را، شامل می‌شود، اعم از این‌که در جنگ مسلحانه و عرصه‌ای نظامی باشد یا در عرصه‌های اقتصاد و تجارت، سیاست و اجتماع، علم و فرهنگ، اعتقاد و اخلاق، دین و مذهب. (۳) مانعیت دارد، یعنی هر تلاشی که توأم با سختی نباشد یا در جهت مبارزه و مقابله با دشمن نباشد و یا فاقد اهداف الهی باشد، از مفهوم جهاد خارج شده و حقیقتاً جهاد اطلاق نمی‌گردد. (۴) همه معانی و تعاریف برای واژه جهاد، از باب معانی و تعاریف به مصداق، مثال و لازم هستند که به تعریف منظور بر می‌گردند؛ بنا براین «قدرت»، (ابن درید، ۱۹۸۷، ۴۵۳: ۱) «وسعت»، (ابن اثیر، ۱۹۶۳، ۱: ۳۱۹ و ۳۲۰؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۰۸) «توان و طاقت»، (جوهری، ۲۰۰۷، ۲: ۴۶۰؛ ابن منظور، ۱۳۵۷، ۳: ۱۳۳؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴، ۳: ۳۶۵؛ حلّی، ۱۴۲۵، ۱: ۳۴۰) «تلاش و مشقت»، (فراهیدی، ۱۴۱۴، ۳: ۳۸۶؛ ابن فارس، بی‌تا، ۱: ۴۸۶) «قتال برای حمایت از دین» (حبیب زاده، ۱۳۹۵: ۲۸) که هم معنایی مفهوم «مسئولیت حمایت» و «مداخله‌ی بشر دوستانه» می‌باشد، (همان) جنگ مقدس و مشروع که نسبت عموم و خصوص من وجه با حرب و قتال دارد، (حسینی، ۱۳۹۸: ۳۱ و ۳۲) هرگونه کوشش و تلاش همراه با سختی و مشقت در جهت دفع دشمن اعم از دشمن درونی (شیطان و هواهای نفسانی) و دشمن برونی (انسان‌های دیگر)، (راغب اصفهانی، پیشین: ۲۰۸) تلاش برای ارزش‌های والا (تلاش و مبارزه جانی، مالی و فکری به هدف اعتلای اسلام، ارزش‌های دینی و انسانی) (نجفی، ۱۲۶۶، ۲۱: ۳) در مبارزه با دشمن آشکار (متجاوز)، شیطان و نفس (راغب اصفهانی، پیشین: همان) و در نهایت سعی و کوشش تمام به هدف الهی (رستمی، ۱۳۹۱: ۳۴ و ۳۵) ناظر به زاویه‌ی از زوایایی جهاد است که از باب مثال یا مصداق مورد تعریف قرار گرفته است. البته جهاد به این مفاهیم زاییده‌ی فرهنگ اسلامی است؛ (حسینی، ۱۳۶۸: ۲۷) یعنی پیش از اسلام به این معنی نبوده است، بلکه از قبیل الفاظ

منقول است. مقصود قایلین دیدگاه مذکور از شرعیت معنی جهاد، به یقین حقیقت شرعیه نیست که پیامبر اسلام (ص) فرموده باشد، بلکه به صورت حقیقت متشرعه است که در بستر تاریخ، جامعه و عرف مسلمانان شکل گرفته است.

بناء جهاد به مفهوم تلاش توأم با سختی در جهت مقابله با دشمن به اهداف الهی، یک مفهوم عام است که با وسعت ظرفیتی، قوت محتوایی و قدرت ثمربخشی، به عنوان کبرای کلی قابل انطباق بر مصادیق گوناگون در حوزه‌ها، عرصه‌ها، موضوعات، مسایل و سطوح مختلف است. چنانچه در صدر آیه ۷۸ سوره حج به صورت یک قاعده و کبرای کلی بیان شده (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۴: ۱۸۱) و در ذیل همین آیه، آیات دیگر و روایات به برخی مصادیق آن، اشاره شده است. انسان‌ها می‌توانند در تمام حوزه‌ها زندگی‌شان و افراد انسانی در عرصه‌ای کاری خویش، تلاش کرده و به اهداف الهی در مسیر توسعه‌ای زندگی و فعالیتی خود با دشمنان بالفعل و بالقوه، پنهان و عیان، درونی و برونی، و داخلی و خارجی مقابله و مقاومت کنند.

۳. شاخصه‌های جهاد

با توجه به مفهوم جهاد، سخن از شاخصه‌ها و ویژگی‌های آن، مطرح است؛ شاخصه‌های که جهاد را مشخص نموده و متمایز می‌سازند. براساس تعریف مذکور و منظور، سه شاخصه اصلی و اساسی برای جهاد، متصور است که مورد تصدیق آیات قرآنی، احادیث نبوی، روایات ائمه‌ی و سیره‌ی عملی پیشوایان مذهبی قرار گرفته است. این شاخصه‌ها عبارت‌اند از پذیرش سختی-مشقت، دشمن‌شناسی و داشتن هدف الهی. نکته قابل تأمل این‌که؛ این سه ویژگی یاد شده، به صورت عام مجموعی منظور است، یعنی با فقدان یکی یا دوی از این ویژگی‌ها جهاد، محقق نمی‌شود؛ بلکه بایستی هر سه موجود باشد و از لحاظ وجود عینی ترتب طولی هم شرط است گرچند که از نظری وجود ذهنی، هدف مقدم بوده و به عنوان محرک، نقش آفرینی می‌کند.

۳-۱. سخت‌کوشی

تلاش و سخت‌کوشی از جمله مفاهیم ارزشی و انگیزشی است که علاوه بر معقولیت و عقلایی بودن از منقولیت و تأیید همرا با تأکید شرعی نیز، (مکارم شیرازی، پیشین، ۲۲: ۵۵۰) بر خور دار است؛ در تمام حوزه‌ها، عرصه‌ها، موضوعات، مسایل و سطوح مختلف از عادی و روزمرگی گرفته تا تخصصی و آینده‌نگرانه، کار برد دارد، مورد استفاده قرار می‌گیرد و بستگی به انتخاب هدفمندانه و هوشمند آن‌ها دارد. انسان‌ها دارد. تلاش؛ یعنی نوید به فردای روشن‌تر و سازنده‌تر، امید به آینده‌ای بهتر و شکوفاتر، رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده و «موفقیت»، ایجاد تغییر مثبت و رسیدن به وضع مطلوبی است که با سخت‌کوشی، پشتکار و مانع‌زدایی بدست می‌آیند. خاستگاه جهاد، تبیین حقیقت دین و ارزش‌های دینی، فعلیت‌بخشی حقیقت انسان و ارزش‌های انسانی، تقلیل مشقت زندگی دنیوی و تأمین سعادت اخروی، کاهش رنج اجتماعی و اقتصادی، رهایی از استعمار و استثمار، خلاصی از استبداد و بی‌عدالتی، اصلاح نابسامانی‌های اجتماعی و سیاسی، تأمین ثبات سیاسی و امنیت اجتماعی، عبور از نا‌ملایمات موجود و در نهایت رسیدن به زندگی اصیل است که فقط با تلاش توأم با سخت‌کوشی ممکن و میسر است. بناء سخت‌کوشی، اولین ویژگی جهاد است و مجاهد کسانی‌اند که در راه مجاهدت سختی و مشقت را می‌پذیرند و با تمام توان در حوزه‌ای کاری‌اش، عرصه‌ای زندگی خویش و سطح فعالیت خود، جهاد می‌کنند.

البته در مجاهدت یک نکته بسیار مهم است و حساس، این‌که اولاً، در نظر گرفتن موقعیت اجتماعی و تخصص علمی است؛ یعنی هر شخص موقعیت واقعی خویش را لحاظ نموده و در عرصه‌ای تخصص خود تلاش کند. ثانیاً، در نظر داشتن مسؤولیت اجتماعی و قدرت اجرایی است؛ به این معنی هر موقعیت، مسؤولیت‌های خاصی دارد و شخص واجد آن موقعیت هم، توانایی‌های منحصر‌بخودش را دارد و می‌طلبد که مسؤولیت‌پذیری بر اساس توانایی باشد که مورد تأکید عقل و تأیید نقل است. ثالثاً، در نظر قرار دادن تصویر وضع موجود اجتماعی و ترسیم وضع مطلوب است؛ این‌که افراد با در نظر داشت موقعیت و مسؤولیت‌شان در هر عرصه، تصویر درست و

واقع‌بینانه از وضع موجود محیط و پیرامون خویش داشته باشند و در عین حال ترسیم آینده‌نگرانه، هدفمندانه، برنامه‌محور و قابل تحقق از وضع مطلوب داشته باشند. رابعاً، تعیین استراتژی اجتماعی و تاکتیک است؛ چون هر حوزه، عرصه، موضوع، مسأله و سطح استراتژی‌های خاصی خودش را دارد و برای نهادینه‌سازی هر کدام تاکتیک‌های متناسب و لازم ضروری‌اند که بایستی مطابق با موقعیت، مسؤلیت و وضع موجود با در نظر داشت تخصص، توانایی و وضع مطلوب، مورد توجه قرار گیرند. در غیر این موارد و در نظر نداشتن نکات یاد شده، تلاش‌ها و سخت‌کوشی‌ها نتیجه در پی نداشته و ممکن جهاد برایش صادق نباشند؛ چون در غیر موضوع له بود و خلاف عدالت و از مصادق ظلم اجتماعی خواهند بود.

۳-۲. دشمن‌شناسی

دشمن‌شناسی، یکی از مفاهیم اساسی و کلیدی است که در جهت رشد، توسعه و سعادت‌مندی فردی و اجتماعی انسان‌ها در حوزه‌ها، عرصه‌ها، موضوعات، مسایل و سطوح مختلف کاربرد دارد. دشمن‌شناسی، یعنی شناخت دشمن و درک تهدید بالفعل و بالقوه آن؛ یعنی تشخیص میزان تهدید دشمن و انتخاب راه‌های مقابله و مبارزه با آن. دشمن، یک مفهوم کلی است که با کلیت و شمولیت خود قابل تطبیق بر موارد مختلف است؛ چنان‌چه از عدو و مشتقات آن، (راغب اصفهانی، پیشین: ۵۵۳ و ۵۵۴؛ قرشی، پیشین، ۴: ۳۰۵ و ۳۰۶) در ادبیات دینی نیز، قابل استنباط و استفاده است. در آیات قرآن کریم و لسان روایات به بعضی از مصادیق دشمن اشاره شده است، نظیر مجرمین (بابایی، ۱۳۸۲، ۳: ۳۳۴) که به عنوان دشمن نبی، مورد مذمت و تحقیر قرار گرفته است؛ (طوسی، بی‌تا، ۷: ۴۸۸) زنان و فرزندان که ممکن با مشغول ساختند و مخالفت نمودند مردان و پدران، آنان را از طاعت الهی غافل کنند؛ (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ۵: ۱۸۴) بتها که عبادت آن‌ها ضرر دینی دارد و موجب هلاکت نفس می‌گردند. (طباطبایی، پیشین، ۱۵: ۲۸۲) حتی شامل دشمن‌های موهمی، ذهنی و ساختگی می‌شود، چنان‌نچه بسیاری کشورها، سازمان‌ها، نهادها و افراد برای تحقق اهداف سیاسی-اجتماعی‌شان از این فرضیه، استفاده می‌کنند و بهره می‌برند.

بناء خاستگاه جهاد، مجاهده است؛ مجاهده از باب مفاعله دوطرف دارد یکی، مجاهد و دیگری، هر آن چیزی که در مقابل قرار داشته باشد. این تقابل و مجاهده عمومیت دارد و در تمام حوزه‌ها، عرصه‌ها، موضوعات، مسایل و سطوح زندگی اجتماعی انسان‌ها جاری است و قابل سرایت. اعم از این که چنین تقابل از مقوله‌ای تناقض، نظیر سیاست‌های اعلانی و اعمالی استعماری؛ تضاد، مانند سیاست‌های طبقاتی و قوم‌محور استبدادی؛ تضایف، مثل سیاست‌های حکمرانی قومی و خانوادگی طبقه‌محور؛ ملکه و عدم ملکه، همانند سیاست‌های آموزشی قومی، تبعیض‌آمیز، خانوادگی و منطقه‌ای، باشد که از آن، به دشمن تعبیر کرده و نام می‌بریم. دشمن به همان کلیت و وسعت مفهومی خود، منظور است. لذا استعمار دشمنی است که با شعار خیرخواهانه، آبادانانه و نفع‌رسانه در چهره‌ی سیاسی، نظامی، فرهنگی و صنعتی به اهداف چابیدن یک ملت، بلعیدن منابع اقتصادی و زیر سلطه قرار دادن ملیت‌های دیگر، توسط قدرت‌های بزرگ و سلطه‌گر، وارد کشوری خاصی می‌شود. استبداد دشمنی است که در قالب‌های دینی، قومی و سیاسی در یک کشور وجود دارد و نظام طبقاتی را بوجود می‌آورد که استبدادگران، اعم از این که دینی باشند یا قومی و سیاسی در طبقه بالا قرار دارند و دیگران به نسبت ارتباطی با آنان، در طبقات پایین‌تر. حکومت‌های پادشاهی و سلطنتی قوم یا خانواده‌محور که محصول استعمار و استبداد باشند، دشمنانی اند که علاوه بر محوریت اجتماعی و مظالم سیاسی، نسبت به اقوام دیگر، عقب ماندگی، توسعه نیافتگی، بی‌ثباتی و ناامنی را در یک کشور به ارمغان می‌آورند. جهل و نادانی دشمنی است که سبب بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی و اخلاقی می‌شود، در جامعه و کشوری که جهل وجود داشته باشد، هیچ‌گاه پیشرفت نکرده و در هیچ‌زمینه‌ای رشد نمی‌کند. لذا دشمن‌شناسی دومین ویژگی جهاد است که از اهمیت و ضرورت عقلی و شرعی، برخوردار است. بر اساس قاعده عقلی «ثبوتُ شیءٍ لشیءٍ فرغُ ثبوتِ المثبتِ له» تازمانی که دشمن به صورت دقیق شناسایی نگردد، حوزه، عرصه، موضوع و سطح جهاد معین و مشخص نشود، جهاد حقیقی تحقق پیدا نمی‌کند. هم‌چنین مجاهدت مجاهدین، نتیجه‌ی مطلوبی را در بر نداشته و ثمربخشی نخواهد داشت.

۳-۳. هدف الهی

رفتار انسان‌ها و حرکت‌های اجتماعی دارای اهدافی اند و به حکم عقل سلیم و منطق انسانی تشخیص و تعیین هدف‌های مناسب، جزء ضروریات وجودی آن رفتار و حرکت‌ها هستند و می‌باشند. هدف از لحاظ تصور مقدم بر هر رفتار و حرکت است، به عنوان محرک، نقش موتور را دارد و از نظر و شأن وجودی متأخر می‌باشد، به حیث نتیجه ظاهر می‌گردند و محقق می‌شوند. جهاد اعم از این‌که فردی باشد یا اجتماعی، رفتار و حرکت انسانی است که به عنوان یکی از ضروریات زندگی، از معقولیت، مشروعیت و مقبولیت برخوردار بوده، مورد تأکید اسلام قرار گرفته است و بایستی دارای اهداف الهی باشد. لذا بر اساس مبانی اعتقادی و نظام ارزشی اسلام، هدف الهی سومین ویژگی جهاد است؛ یعنی جهاد در هر حوزه، عرصه، موضوع، مسأله و سطحی که صورت می‌گیرد، بایستی برای ارشاد مردم به سوی توحید و کسب فضایل اخلاقی در راه خداوند (ج)، برای اطاعت حضرت باری تعالی و کسب رضایت الهی باشد. بنابراین مجاهد کسانی اند که سختی را بجان و دل می‌پذیرند و بخاطر هدف‌های الهی با دشمنان مبارزه می‌کنند. آیات جهاد که در قرآن کریم بیش از ده بار با قید فی سبیل الله آمده است (بقره: ۲۱۸؛ نساء: ۹۵؛ مایده: ۵۴؛ توبه: ۲۰ و غیره) گویایی روشن این مدعا و دلیلی بر عبادی بودن جهاد است.

بنا بر این داشتن هدف الهی شرط لازم جهاد است و بدون آن، جهاد محقق نمی‌شود؛ همان‌طور که گفته شد منظور از جهاد معنای عام است که با کلیت، وسعت و شمولیت خود، تمام حوزه‌های زندگی و عرصه‌های فعالیتی انسان‌ها را در موضوعات، مسایل، سطوح و لایه‌های گوناگون در بر می‌گیرد؛ لذا در طول اهداف الهی، هدف‌های بی‌شمار دیگر، برای جهاد متصور و قابل طرح است. به‌طور کلی دو نوع اهداف در جهاد، متصور است که علاوه بر معقولیت، مورد تصدیق قرآن و سنت هم، قرار گرفته است. ۱) هدف اصلی (خدامحوری)، هدف که مدار و مرکز رفتار انسانی است. در نظام اعتقادی و ارزشی اسلام، آن مدار و مرکز خداوند (ج) است، بایستی رفتار انسان‌ها در تمام حوزه‌ها، عرصه‌ها، موضوعات، مسایل و سطوح زندگی بر محور خدا، به هدف فرمان‌بری الهی و در جهت تقرب ذات

لا یزال باشند. در چشم‌انداز دینی خدامحوری، معیار تشخیص انسان‌های الهی از غیر الهی است؛ چون انسان‌های خدا محور، باورمند به حاکمیت اراده‌ی الهی در عالم‌هستی است و جزء اراده‌ی آن، هیچ اراده‌ی را مؤثر نمی‌دانند. (روشن ضمیر و فیروزی، ۱۳۹۳: ۳۹) انسان‌های خدایی، توحیدگرا و دین‌مدار، ذات اقدس حضرت حق را حاضر و ناظر بر رفتار (گفتار و کردار) خویش دانسته و همواره تلاش دارند که با فرمان‌بری از دستورات سعادت‌بخش منشور الهی (قرآن) و راهنمایی هدایت‌گر مأمور الهی (پیامبر)، ارتباط با خالق هستی و معبود بی‌همتا برقرار کرده، تقرب عندالله پیدا نموده و کمالات انسانی را طی کنند که این مهم، جزء از طریق مجاهدت هدف‌مند، پیگیر و خالصانه بدست نمی‌آیند. لذا خدا محوری، هدف اصلی، اساسی و نهایی جهاد است که در صورت فقدان یا عدم برجستگی و پررنگی آن، جهاد تحقق پیدا نمی‌کند. به بیان دیگر، خدامحوری به عنوان هدف عالی، حقیقی و بنیادی شرط لازم برای جهاد است، نه شرط کافی، بلکه نیازمند به اهداف دیگری است که در جهت وصول به هدف اصلی مطرح می‌شوند و ضرورت پیدا می‌کنند. (۲) اهداف مقدماتی، هدف‌های اندک که در جهت رسیدن به هدف اصلی، هدف‌گذاری می‌شوند و به عنوان مقدمه، وسیله و ابزار، کار برد دارند. آن اهداف نقش ابزاری و وسیله‌انگاری دارند و متناسب با حوزه‌ها، عرصه‌ها، موضوعات، مسایل، سطوح و شرایط متفاوت‌اند. البته بایستی توجه نمود که در ادبیات دینی و گفتمان اخلاقی برای اهداف الهی، بایستی وسیله‌های متناسب انتخاب کرده و استفاده نمود؛ (طباطبایی، پیشین، ۴: ۱۵۶) این برگشت به آن بحث دارد که وسیله هدف را توجیه می‌کند یا خیر؟ یعنی کسی هدف مقدس دارد و می‌تواند برای وصول آن، از وسایل نامقدس استفاده کنند؟ در نگاه اسلامی وسیله هدف را توجیه نمی‌کند و برای اهداف مقدس، مطلوب و حق محور بایستی از وسایل متناسب آن‌ها استفاده کنند. اهداف مقدماتی خود، دارای تقسیماتی‌اند: یکی، کوتاه مدت؛ دیگری، میان‌مدت؛ و سومی، بلند مدت که در تمام عرصه‌ها کاربرد دارد و نتایج مطلوبی را بدنبال دارند و در نهادینه‌سازی اهداف اصلی نقش آفرینی می‌کنند.

۴. تقسیمات جهاد

در تقسیم اولیه جهاد، به جهاد الهی، یعنی تلاش توأم با سختی در راه خدا «وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» (حج: ۷۸) و جهاد شیطانی، یعنی تلاش در راه شیطان «وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا» (همان: ۱۵) قابل تقسیم و متصور است. البته براساس مبانی تبیین شده در مفهوم جهاد و ویژگی‌های آن، حقیقت جهاد همان جهاد الهی است و این تقسیم صرفاً در مقام تصور بخاطر فهم، درک و هضم جهاد حقیقی؛ هم‌چنین تمییز جهاد حقیقی از جهاد دروغین و غیر حقیقی است. در تقسیم ثانویه جهاد الهی مقسم قرار گرفته به جهاد فردی و جهاد اجتماعی، تقسیم می‌گردد و در مرحله سوم هر کدام از جهاد فردی و اجتماعی مقسم قرار گرفته و به تقسیماتی، تقسیم می‌شوند.

۴-۱. جهادی فردی

بر اساس مفهوم منظور تبیین شده از جهاد، خاستگاه اولیه آن، جهاد فردی است؛ یعنی هر فرد انسانی در حوزه‌ی شخصی و امور فردی خویش، جهاد کرده با مجاهدت و خودسازی، ظرفیت و موقعیت جهاد اجتماعی را درک کند تا وظایف، تکالیف و مسؤولیت‌های اجتماعی خویش را انجام دهد. چون کسی که مجاهدت فردی در حوزه‌های علمی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و سیاسی نداشته باشد، به یقین نمی‌تواند در آن حوزه‌ها جهاد نماید. چنانچه قواعد عقلی «علیت»، «سنخیت علی» و معلولی» و «فاقد الشئ لایکون معطی له» اقتضاء دارند هر فرد که در هر حوزه، عرصه، موضوع و مسأله‌ای اجتماعی، جهاد می‌کند، بایستی مجاهد باشد. لذا جهاد فردی از جهات مختلف قابل بحث است که به طور کلی با استفاده از تقسیم معارف دینی در حوزه‌ی اعتقادات، اخلاقیات و احکام، قابل بررسی است.

۴-۱-۱. جهاد اعتقادی

عقل به عنوان مُدرک کلیات و نیروی تمایزبخش حق (درست) از باطل (نادرست) و فکر به عنوان مُحصِل علم (حرکت از معلومات به سوی مجهولات) و نیروی برنامه‌ریز برای

درک و فهم حق از باطل، موهبت الهی و نعمت بزرگ خداوندی اند که باعث برتری انسان نسبت به موجودات دیگر، است. تعقل و تفکر در اسلام مورد تأیید قرار گرفته و در آیات قرآنی و لسان روایی، مورد اشاره و تأکید بسیار واقع شده‌اند تا آنجایی که فاقدین تعقل و تفکر را، بدترین جنبندگان معرفی نموده است. (طباطبایی، پیشین، ۹: ۴۲؛ مکارم شیرازی، پیشین، ۷: ۱۲۲) در نظام اعتقادی اسلام، اعتقادات (توحید و عدالت، نبوت، امامت و معاد) به عنوان بنیادی‌ترین بخش از دین، خاستگاه فکری و اندیشه‌ی دارند و تقلید در آن‌ها، ممنوع گردیده و مورد نهی قرار گرفته است. (همان، ۱: ۵۷۶) لذا جهاد اعتقادی فردی و مجاهدت شخصی، در عین ضروری بودن از اهمیت بالای بر خور دار است؛ چون رفتار (گفتار و کردار) هر فرد بر اساس موقعیت‌شناسی و مسؤولیت‌پذیری در حوزه‌ی فردی و اجتماعی، معلول و محصول اعتقادات فردی، انسان است. بایسته است هر فرد انسانی با در نظر داشت موقعیت خویش با مجاهدت‌های هدفمندانه از طریق تعقل و تفکر، جهاد اعتقادی را انجام دهد و درک، فهم و روایت درست از توحید، عدالت، نبوت، امامت و معاد داشته باشد. تلاش کند تا اعتقاداتش خویش را از منابع اولیه (قرآن و سنت) با رویکرد عقلانی و الگوپردازی از پیشوایان مذهبی-دینی اتخاذ نموده و بر اساس آن‌ها رفتار نماید؛ هم‌چنین با دشمنان درونی (شرک، وهمیات، خرافات و...) مبارزه کرده و توحید را سر لوحه‌ای اعتقادی خود قرار دهد.

۴-۱-۲. جهاد اخلاقی

منظور از اخلاق در یک برداشت ساده و کلی، رفتارها و کنش‌های هستند که از فرد انسانی بروز و ظهور می‌کنند. رفتارها معرف هر فرد و نشاندهنده‌ای شخصیت انسانی او است؛ زیرا که رفتار هر فرد انسانی معلول باورها، محصول ذهنیات و مولود نیات آن شخص، است که بر اساس قدرت تعقل، پهنای تفکر و سعه‌ی ذهنی او، بروز نموده و به منصبه‌ای ظهور می‌رسند. رفتار، اعم از این‌که از مقوله‌ای گفتار باشد یا مقوله‌ای کردار در اسلام به عنوان اخلاقیات، مطرح است که از لحاظ بروز، ظهور و اهمیت در جایگاه بعد از اعتقادات، قرار دارند. لذا جهاد اخلاقی فردی، جایگاه خاصی دارد که بایستی از طریق درک و فهم درست دین، ارزش‌های دینی و اصول

اخلاقی با مجاهدت خدا محورانه، هر فرد انسانی انجام شود تا فضایل اخلاقی را در رفتار خویش، ظهور داده و رذایل اخلاقی را دور نماید. در جهاد اخلاقی، انسان‌ها تلاش می‌کنند که رفتارشان در هر حوزه عرصه و سطح که هستند، بر اساس فرامین الهی و دستورات اخلاقی دینی و سیره‌ی عملی پیشوایان مذهبی-دینی باشند؛ چون انسان‌ها موجودات اجتماعی و رفتارمند هستند که اگر مواظب رفتارشان نباشند و مسؤلیت‌ای رفتاری خویش را در قبال خود، خانواده، محیط و جامعه ندانند، قطعاً محصولی جزء ناهنجاری‌های اجتماعی ندارد. این مواظبت حاصل می‌شود مگر با مجاهدت اخلاقی.

۳-۱-۴. جهاد عبادی

بر اساس احکام خمس (واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح)، رفتار (گفتار و کردار) انسان دارای یکی از احکام مذکور است؛ یا واجب است که بایستی انجام داد؛ یا حرام است، که بایستی ترک کرد؛ یا مستحب است که انجامش اولویت دارد؛ یا مکروه است که ترک آن اولویت دارد؛ و یا مباح و لا اقتضا است. آنچه که در باب احکام الهی مهم است، شناخت موضوع و تشخیص مصداق احکام است که جزء از طریق مجاهدت فردی، ممکن و میسر نیست. پس جهاد عبادی فردی، لازم است تا در حوزه فردی، واجبات و مستحبات را انجام شود و از ارتکاب محرمات و مکروهات، پرهیز گردد. در جهاد عبادی، انسان تلاش می‌کند که واجبات الهی را انجام دهد و محرمات را ترک کند؛ هم‌چنین این انجام و ترک فقط برای اطاعت خداوند باشند.

بنا بر این جهاد فردی از باب خودیابی، خودسازی و خودباوری، لازم و ضروری است. البته بایستی توجه داشت که اولاً، تقسیم جهاد فردی به اعتقادی، اخلاقی و عبادی تمام فعالیت‌های فردی را در حوزه‌ها، عرصه‌ها، موضوعات، مسایل، سطوح و لایه‌های مختلف، شامل می‌گردند. ثانیاً، تقسیم جهاد فردی، به اعتقادی، اخلاقی و عبادی طولی است؛ چون اعتقادات اصل و اساس بوده و حالت زیر بنای دارند، اخلاقیات نسبت به اعتقادات حالت روبنای دارند ولی نسبت به احکام، زیر بنا

محسوب می‌شوند، احکام یا عبادات فرع بر اعتقادات و اخلاقیات هستند. ثالثاً، جهاد به طور کلی و جهاد فردی با انواعش از اموری نسبی است، یعنی هر انسان به میزان جهاد و خودسازی خویش، می‌تواند مسؤولیت اجتماعی‌اش را نیز، انجام دهد.

۲-۴. جهاد اجتماعی

انسان موجود اجتماعی است و دارای نیازها، خواسته و انتظارات مختلف که به عنوان جزء هستی به طور عموم و جامعه انسانی به طور خصوص، در اجتماع انسانی و ارتباط با انسان‌های پیرامون بر آورده می‌شود؛ هر فرد به تنهای قادر به تأمین تمام نیازهایش نیست و یا برایش دشوار است، پس هر فرد انسانی نیازمند همکاری دیگران است که در اجتماع قابل تحقق می‌باشد. (مک کالوم، ۱۳۸۳: ۹۵ و ۱۰۶) هم‌چنین در قبال اجتماع و پیرامون خود، مسؤولیت دارد که این مهم، زمان میسر است که انسان به لحاظ فردی، خود ساخته باشد. به بیان دیگر انجام مکلفیت‌ها و مسؤولیت‌های اجتماعی فرع بر انجام وظایف و مسؤولیت‌های فردی، مجاهدت‌های شخصی و خود ساختگی اند؛ چون جامعه‌سازی فرع بر خودسازی و محصول خودساختگی است. جامعه‌سازی یا ادای مسؤولیت‌های اجتماعی جزء از طریق جهاد اجتماعی، امکان‌پذیر نیست. لذا جهاد اجتماعی در تمام حوزه‌ها و عرصه‌های آن، علاوه بر عقلانیت، مورد تأیید و تأکید شریعت نیز، قرار گرفته است و در حوزه‌های مختلف قابل طرح، بسط و شرح است. موضوع جهاد اجتماعی، اجتماع است؛ یعنی فعل، عمل و حرکت که جنبه‌ای اجتماعی داشته باشد و ارتباط با اجتماع انسانی بر قرار کند. بناء این نوع از جهاد در حوزه‌ها، عرصه‌ها، موضوعات، مسایل و سطوح مختلف اجتماعی، قابل طرح و تطبیق است که اینجا به چند نمونه به لحاظ اشاره می‌شود.

۲-۴-۱. جهاد علمی

علم و دانش همزاد انسان است؛ به تعبیر دقیق‌تر علم‌آموزی و علم‌طلبی از اموری فطری است؛ چون انسان بماهو انسان‌ها فارغ از زمان و مکان، ملیت و قومیت،

جنست و صنفیت، تعلقات دینی و مذهبی، وابستگی‌های مکتبی و ایدئولوژیکی علم را دوست دارند و خواهان علم‌آموزی هستند. چنان‌چه انسان‌ها از زمان خلقت اهمیت و نقش علم را در زندگی خویش درک نموده و همواره در تکاپوی کشف حقایق هستی، رمزگشایی موجودات پیرامون و روایت درست از هستی که خود جزء آن است، بوده است. بر اساس فطری بودن علم و علم‌طلبی، مکاتب الهی و بشری علم را مورد تأکید قرار داده و پیشرفت و توسعه‌ی انسان‌ها و جامعه‌ای انسانی را معلول علم و علم‌اندوزی، می‌داند. از میان تمام ادیان الهی و مکاتب بشری، دین مبین اسلام که مطابق با فطرت انسانی از آخریت، کاملیت و جامعیت برخوردار است، بیش از همه علم و علم‌آموزی را مورد تأکید قرار داده که آغاز اسلام با دعوت به فراگیری علم و دانش‌ورزی (علق: ۱) بوده است.

لذا اصل علم‌طلبی به کلیت و وسعت خود به عنوان امر فطری، یکی از ضروریات زندگی رو به پیشرفت و توسعه‌ی انسانی است. در یک نگاه کلی علم دارای سه حوزه است یکی، علوم تجربی، دیگری، علوم انسانی و سومی، علوم دینی که هر یک این حوزه‌ها دارای رشته‌های متعدد و گرایش‌های مختلف هستند و مورد نیاز انسان‌ها و جوامع انسانی می‌باشند. جوامع انسانی و ملیت‌های ترقی‌خواه، توسعه‌طلب و دانش‌گرا اگر بخواهند رشد یافته و به توسعه‌ی اجتماعی-سیاسی، فرهنگی-هویتی، اقتصادی-صنعتی و نظامی دست یابند تا جامعه‌ای شکوفا و پویا، نهادهای مترقی و بالنده داشته باشند؛ بایستی در هر سه حوزه‌ی علمی (تجربی، انسانی و دینی) و رشته‌های مختلف با گرایش‌های گوناگون علمی، مجاهدت نموده و نیروی انسانی مجاهد، متخصص و متعهد از هر قشر تربیت کنند. یک فرد، خانواده، قوم، گروه، نهاد، سازمان و ملت اگر بخواهند پیشرفت کنند و توسعه یابند بایستی در عرصه‌ای علمی جهاد کنند، در بخش‌ها و رشته‌های مختلف علمی (طب، مدیریت، اقتصاد، سیاست، حقوق، مهندسی و غیره)، متخصص داشته باشند. در جوامع اسلامی با رویکرد دینی تلاش‌شان توأمان بسازند با مبارزه با جهل به عنوان دشمن انسان‌ها و خدمت به جامعه‌ای انسانی به رضای الهی.

۴-۲-۲. جهاد فرهنگی-هویتی

در دنیای انسان‌ها یا به تعبیر دیگر در دهکده جهانی و یک جامعه‌ای خاص، ملیت‌ها و قومیت‌های متعدد، ادیان و مذاهب مختلف، مکاتب و ایدئولوژی‌های متعارض، صنف‌ها و گروه‌های متضاد با باورها و ارزش‌های متزاحم وجود داشته‌اند و دارند؛ هر کدام دارای هویت مشخصی هستند و فرهنگ خاصی را می‌طلبند و به وجود می‌آورند. (علوی، ۱۳۹۰: ۳۲) فلسفه وجودی و خاستگاه هویتی-فرهنگی، ضروری می‌نمایند که صاحبان و دارندگان آن برای بقاء در جهت کسب، حفظ و گسترش موقعیت فرهنگ-هویت خویش جهاد نمایند تا با خودآگاهی، خودشناسی و خودپذیری فرهنگی-هویتی، آرایشگری و پرایشگری ارزش‌های فرهنگ و هویت مقصود، مطالبه‌گر حقوق اجتماعی و سیاسی‌شان باشند.

با در نظر داشت فرهنگ‌ها و هویت‌های متنوع، متکثر و مختلف در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی، ایجاد تضاد و تزاحم بدیهی و گریزناپذیر به نظر می‌رسد. تضاد و تزاحم میان فرهنگ‌ها و هویت‌های مختلف متضاد، از دو طریق قابل کنترل و حل می‌باشند. (۱) تقابل، تضاد و تعارض؛ این‌که فرهنگ‌ها و هویت‌های متضاد در برابر یک‌دیگر و به مقابله، و درگیری بی‌پروا (۲) تفاهم و تعامل؛ یعنی هویت‌ها و فرهنگ‌های متقابل، متضاد و متعارض با درک، فهم و هضم اشتراکات و افتراقات، ارزش‌های متفاوت یک‌دیگر را پذیرفته و با احترام متقابل وارد تعامل و هم‌پذیری شوند. در هر دو صورت بقاء، تغلب و تسلط از فرهنگ‌ها و هویت‌های است که دارای منابع، مبانی، اصول، اهداف، منطق و راهکارهای عقلانی و منطقی هستند و می‌باشند؛ هم‌چنین صاحبان و دارندگان آن فرهنگ و هویت‌ها واجد فرهنگ جهادی و روحیه مجاهدت باشند.

۴-۲-۳. جهاد نظامی

مفهوم نظامی، گویایی جنگ مسلحانه است؛ جنگ که همواره در طول تاریخ، پهنه‌ی زمین و پهنای زمان مطرح بوده و منشأ نظریه‌های مختلف گردیده است. در اسلام نیز، مسأله‌ای جنگ به صورت پررنگ مطرح شده تا جایی که موجب پیدایی

نظریه‌های اصالت جنگ یا اصالت صلح از نظر اسلام، گردیده است؛ برخی، اصالت جنگ را پذیرفته و صلح را امری فرعی، دانسته است و گروهی، اصالت صلح را ثابت نموده و جنگ را در مواقع ضروری و به‌عنوان یک استراتژی قلم داد کرده که حق هم، همین است. جنگ بخشی از جهاد است که؛ اولاً، خاستگاه دفاعی از خاک و ناموس، دین و مذهب، انسانیت و اخلاق، هویت و فرهنگ، عدالت و برابری در مقابل استعمارگران خارجی و ستم پیشگان داخلی دارد؛ ثانیاً، خاستگاه اصلاح دینی-مذهبی (اعتقادی، رفتاری و عبادی) و اجتماعی دارد که به‌صورت ابتدای صورت می‌گیرد. در آیات قرآن کریم، روایات و سیره‌ی عملی پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) جنگ و قتال مطرح شده‌اند، به‌نظر می‌رسد که گویایی دفاع و اصلاحات هستند.

در جهاد نظامی تلاش مجاهدان مبارزه با دشمن برای دفاع از ارزش‌های دینی، انسانی، اخلاقی، ملی، سرزمینی، ناموسی و جانی به هدف الهی باشند؛ هر سه شاخصه (سخت‌کوشی، مبارزه با دشمن و داشتن هدف الهی) بایستی موجود باشند و گرنه جهاد نیست. بناء هر جنگ و خونریزی از سوی هر گروهی، جهاد نیستند.

۴-۲-۴. جهاد سیاسی

مفهوم سیاست؛ یکی از مفاهیم بحث بر انگیز میان دانشمندان، نظریه‌پردازان و تحلیل‌گران سیاسی است که مورد تعاریف متعدد و مختلف (ابوالحمد، ۱۳۷۶، ۱: ۶) قرار گرفته است. دلیل پیچیدگی مفهوم سیاست، بحث برانگیزی تحلیلی و اختلاف نظری («سیالیت و نسبیت مفهومی») آن، است که از لحاظ بینش، منش، گرایش و روش، تفاوت معنایی پیدا نموده و منشأ اختلافات تحلیلی، پیدایی تعاریف گوناگون و تولید نظریه‌های متضاد شده است. هم‌چنین یکی، ارتباط سیاست با علوم و مسایل دیگر (همان: ۹ و ۸) و دیگری، عدم توافق در مورد موضوع سیاست، (هیوود، هیوود، ۱۳۹۹: ۱۰) مزید بر علت پیچیدگی و دشواری مفهوم سیاست، گردیده‌اند. لذا در یک نگاه کلی چهار دیدگاه متفاوت در مورد سیاست مطرح است: ۱) هنر دانستن سیاست؛ یعنی هنر حکومت کردن و نظارت اجتماعی (همان و عالم، ۱۳۹۹: ۳۰) یا هنر

استفاده کردند از امکانات. (همان: ۲۹) ۲) عمومی دانستن سیاست؛ این که هر امر که جنبه‌ای اجتماعی داشته و به عرصه‌ای زندگی عمومی، ارتباط داشته باشد، امر سیاسی است. (هیوود، پیشین: ۱۴) ۳) سازش‌انگاری سیاست؛ بدین مفهوم، هر مسأله‌ای که با مشارکت اجتماعی و از راه توافق و سازش تصمیم گرفته شود یا حل گردد، سیاسی است. (همان: ۱۷) ۴) قدرت‌محوری سیاست؛ یعنی توانایی بدست آوردن خواسته‌ها از هر راه ممکن. (همان: ۱۹؛ عالم، پیشین: ۳۰؛ و حسینی‌فر، ۱۳۸۸: ۱۱۴ و ۱۱۵)

بنا بر این اداره، تدبیر و مدیریت امور، پدیده‌ها و مسایل انسانی (فردی و اجتماعی) به هدف هدایت انسان‌ها و جامعه انسانی به سمت زندگانی اصیل، و تأمین سعادت دنیوی و اخروی آنان، مخرج مشترک مفهوم سیاست است. جهاد سیاسی این که انسان‌های توحید‌گرا و متدین به دین اسلام، در عرصه‌ای سیاست بر اساس هر کدام از چهار دیدگاه مذکور، حضور فعال داشته باشند و مبارزه، مقابله و مقاومت با دشمنان درونی و برونی، داخلی و خارجی بخاطر خدمت به خلق و رضای خالق، سرلوحه‌ی سیاست‌گزاری‌ها، موضوع‌گیری‌ها و رفتارهای سیاسی‌شان قرار دهند؛ هم‌چنین همسویی با مجاهدان علمی، فرهنگی و نظامی را در عمل بنمایش گذاشته و برای استحکام این همگرایی و ایجاد وحدت سیاسی، تلاش کنند.

۵. نتیجه

با در نظر داشت مفهوم جهاد که همان تلاشی توأم با سختی در جهت مقابله با دشمن به هدف الهی، ریشه در فطرت انسانی دارد و انسان‌ها فطرتاً موجودات جهادگر هستند؛ زیرا هدایت‌طلبی، سعادت‌خواهی، کمال‌گرایی و حفظ نظم اجتماعی انسان که مقتضایی عقل و شرع است، زمانی میسور بوده و حاصل می‌گردد که انسان‌ها در مسیری هدایت، سعادت و تکامل، هم‌چنین در جهت رفع و دفع موانع، مجاهدت داشته باشند و جهاد کنند. دین اسلام از باب مطابقت با فطرت و سرشت انسانی، جهاد را مورد تأیید و تأکید قرار داده است. لذا جهادگری و مجاهدت در فطرت انسانی وجود دارد که انسان‌ها در زندگی و برای زندگی، تأمین ضروریات زندگی (خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت و...)، توسعه‌یابی و دفاع از خود و

داشته‌های (اعتقادات، ارزش‌های دینی و فرهنگی، هویتی، ملی، قومی، ناموسی و غیره) خویش در عرصه‌های مختلف، جهاد کرده و مجاهدت می‌کنند. انسان‌های فطرت‌مدار و دارای وجدان فطری با الهام از ندهای درونی، آموزه‌های وحیانی و اراده‌ای پولادین، همیشه روحیه‌ای مجاهدت را در وجودشان احیاء کرده و ضمن جهاد فردی (اعتقادی، اخلاقی و عبادی) به جهاد اجتماعی (علمی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و سیاسی) پرداخته و نقش آفرینی کرده‌اند و می‌کنند. آنچه که مهم است و قابل تأمل این‌که بر اساس مبانی اعتقادی اسلام و نظام ارزشی خدا محور، بایستی جهاد اولاً، در تمام حوزه‌ها، عرصه‌ها، موضدعات، مسایل و سطوح جاری است و قابل طرح، تطبیق و مصداق می‌باشد؛ ثانیاً، مجاهدت در تمام موارد یاد شده بایستی دارای سه شاخصه یکی، سخت‌کوشی، دشمن‌شناسی و داشتن هدف الهی باشد.

۶. منابع

قرآن کریم، ترجمه‌ی حسین انصاریان.

الف؛ کتاب‌های فارسی

۱. ابوالحمد، عبدالحمید، (۱۳۷۶)، مبانی سیاست، تهران، انتشارات توس.
۲. بابایی، احمد علی، (۱۳۸۳)، برگزیده تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳. حسینی، ابراهیم، (۱۳۹۸)، جهاد و اصل منع توسل به زور در اسلام و حقوق بین‌الملل معاصر، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۴. حسینی، ابوالقاسم، (۱۳۶۸)، جهاد و حقوق بین‌الملل، قم، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۵. حسینی فر، رضا، (۱۳۸۸)، امام خمینی و بیداری اسلامی، بی‌جا، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
۶. رستمی، علی امین، (۱۳۹۱)، آموزه‌های فرهنگی در سیره‌ی نظامی معصومان، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۷. عالم، عبدالرحمن، (۱۳۹۹)، بنیادهای علم‌سیاست، تهران، نشرنی.

۸. علوی، محمد رضا، (۱۳۹۰)، ناگفته‌های جنبش روشنفکری افغانستان، بی‌جا، مؤسسه خدمات فرهنگی باران، بهار.
۹. قرشی، علی اکبر، (۱۳۷۶)، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۱. مک کالوم، جرالوسی، (۱۳۸۸)، فلسفه سیاسی، ترجمه‌ی بهروز جندقی، قم، کتاب طه.
۱۲. هیوود، اندرو، (۱۳۹۹)، سیاست، ترجمه‌ی عبدالرحمن عالم، تهران، نشرنی.
- ب؛ کتاب‌های عربی
۱۳. ابن اثیر، مبارک، (۱۹۶۳م)، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، تحقیق طار احمد الزاوی، محمود محمد الطباحی، بیروت، المكتبة الاسلامیه لصاحبها الحاج ریاض الشیخ.
۱۴. ابن درید، محمد، (۱۹۸۷م)، جمهره اللغه، لبنان، دارالعلم بیروت.
۱۵. ابن فارس، احمد، (بی‌تا)، معجم مقایس اللغه، تحقیق و ضبط، عبدالسلام محمد هارون، بی‌جا، دارالفکر.
۱۶. ابن منظور، محمد، (۱۳۵۷ق)، لسان العرب، بیروت، دارالعلم بیروت.
۱۷. جوهری، اسماعیل، (۲۰۰۷م)، معجم الصحاح، لبنان، دارالمعرفه بیروت.
۱۸. حلّی، مقداد، (۱۴۲۵ق)، کنزالعرفان فی فقه القرآن، قم، انتشارات مرتضوی.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین، (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، دمشق، دارالعلم الدار الشامیه.
۲۰. طباطبای، محمدحسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۱. طوسی، حسن، (بی‌تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، احیاء التراث العربی.
۲۲. فراهیدی، الخلیل، (۱۴۱۴ق)، ترتیب کتاب العین، قم، انتشارات اسوه.
۲۳. فیض کاشانی، محسن (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، تهران، انتشارات الصدر.

۲۴. محقق کرکی، علی، (۱۴۱۴ق)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم، مؤسسه آل البيت (ع).

۲۵. نجفی، محمد حسن، (۱۲۶۶ق)، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، لبنان، دارالاحیاء التراث العربی.
ج؛ مقالات

۲۶. حبیب‌زاده، توکل، (۱۳۹۵)، «جهاد در اسلام به مفهوم مسؤولیت‌حمایت»، حقوق عمومی اسلامی، سال اول، پاییز و زمستان.

۲۷. روشن‌ضمیر، محمد ابراهیم و فیروزی، نعمت‌الله، (۱۳۹۳)، «نقش خدامحوری و مؤلفه‌های آن در مدیریت فرهنگی از منظر قرآن»، آموزه‌های قرآنی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۲۰، پاییز و زمستان.



Nasim Kowsar

Scientific Quarterly

- Solutions to prevent delinquency and reform criminals
- Probative value of electronic evidence in Iranian and Afghan law...
- Jurisprudential review of circumcision condition in Tawaf
- The crime of theft and its punishment from the perspective of Islamic jurisprudence
- The theory of sanctity of Jihad before the rise of Hazrat Mahdi
- Essay on Jihad/ Gurban Ali Hakimi
- Blessing-making and blessing-burning factors in the Holy Quran